

جریان شناسی تحول خواهان علوم انسانی در جهان اسلام

سید محمد تقی موحد ابطحی^۱

این تحقیق به روش اسنادی می‌کوشد تا پس از معرفی مختصر تاریخچه شکل‌گیری علوم انسانی پوزیتیویستی در غرب و زمینه‌های فلسفی و اجتماعی آن، جریان‌های رقیبی که در تقابل با این جریان علمی به وجود آمده‌اند و زمینه‌های فلسفی و اجتماعی شکل‌گیری آنها را نیز معرفی کند تا آشکار گردد که موضوع بحران علوم انسانی و تلاش برای تدارک علوم انسانی دیگر ریشه در خود غرب دارد. سپس به تاریخچه ورود علوم انسانی جدید به جهان اسلام و به ویژه به ایران اشاره می‌کند و واکنش‌هایی که در قبال آن پیش و به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران انجام گرفت را توصیف می‌کند و به دسته‌بندی جریان‌های موجود در این زمینه می‌پردازد و مجدداً زمینه‌های فلسفی و اجتماعی آنها را معرفی و نقد می‌کند.

در نهایت به معرفی مراکز سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، آموزشی، پژوهشی و فرهنگی که به اشکال گوناگون با بحث تحول علوم انسانی در ارتباط هستند می‌پردازد و رویکرد فلسفی آنها را در قبال این موضوع بیان می‌دارد تا زمینه برای ساماندهی و استفاده بهینه از ظرفیت‌های نهادی موجود در این زمینه فراهم آید. بررسی زمینه‌های اجتماعی و به ویژه تاثیر قدرت در شکل‌گیری و توسعه بحث تحول علوم انسانی و علوم انسانی اسلامی از مباحثی است که در این طرح بدان پرداخته می‌شود. در مجموع هدف از انجام این طرح آشنایی با جریان‌های تحول خواه علوم انسانی در جهان اسلام، دیدگاه‌ها و راهبردها و اقدامات آنها، به منظور بهره‌گیری از تجربیات گذشته در طرح ارتقاء علوم انسانی است.

^۱ - استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه